

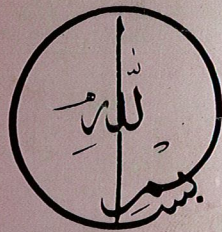
# آرمان شهیدان

استقلال

آزادی

جمهوری اسلامی

حجة الاسلام سید علی خامنه ای  
سخنرانان حجة الاسلام اکبرهاشمی رفسنجانی



کفآر شماره ۲۸  
حزب جمهوری اسلامی

۲۵ ریال

نام کتاب: آرمان شهیدان، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی  
سخنرانان: حجه‌الاسلام رفسنجانی و حجه‌الاسلام خامنه‌ای  
محل سخنرانی: میدان شهدا و بهشت زهرا  
چاپ اول: شهریور ۶۰  
تیراژ: ۱۰۰۰۰

مرکز پخش: دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی  
در هفده شهریور (میدان شهدا)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلوة على رسول الله وآله اجمعين . قال العظيم  
في كتابه اعوذ بالله من الشيطان الرجيم :  
ان الله اشترى من المؤمن انفسهم و اموالهم بان  
لهم الجنة .

یکسال قبل در چنین روزی که برادران مسلمان ما در  
این میدان پر عظمت به خاک و خون کشیده می شدند من  
در زندان اوین از طریق رسانه های جمعی بطور محدود و  
ناقص در جریان حوادث این میدان قرار گرفتم .  
احساساتی که آنروز برای ما وجود داشت و آنچه که  
امروز بالعیان می بینیم ، از دیدگاه یک مسلمان و آشنا به  
روح اسلام ، تفاوت زیادی نداشت .  
ما آنروز هم می توانستیم از جریان تاریخ و وعده های  
الهی و آنچه که قرآن به مجاهدان و مبارزان و شهدا نوید  
داده است ، صحنه امروز را پیش بینی کنیم . ولی این پیش

بسمه تعالی

جزوه حاضر مجموعه دو سخنرانی است که سخنرانی اول  
توسط رئیس محترم مجلس شورای اسلامی حضرت حجة الاسلام  
والمسلمین هاشمی رفسنجانی در هفده شهریور ۵۸ ( میدان  
شهدا ) و سخنرانی دوم توسط امام جمعه محترم تهران  
حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید علی خامنه ای در هفده  
شهریور ۵۹ ( بهشت زهرا ) ایراد شده است .

بینی برای ما امکان داشت. دشمنان ما و کسانی که نمی-  
توانستند ارجح و اعتبار مکتب اسلام را ارزیابی کنند از پیش  
بینی این روزها عاجز بودند.

ما در زندان با افرادی که آنجا بودند بحث می کردیم ،  
وقتی از آینده نهضت و انقلاب صحبت می شد ، کسانی که با  
دید مادی و تحلیل مادی انقلاب ایران را تحلیل می کردند ،  
حاضر نبودند پیروزی انقلاب و پیروزی ملت ایران را با این  
سرعت در فکر خود تصور کنند . با تکیه بر تحلیلهای ناقص  
مادی و ادعای علمی بودن مبارزه بر اساس ماتریالیسم  
تاریخی ، می گفتند مراحل بسیاری در پیش داریم تا ملت  
آگاهتر شود ، ملت ما مسلح شود ، و در یک مبارزه طولانی  
درگیر شود ، از دریای خون عبور کند و بعد از گذشت سالها  
در آنطرف دریای خون ، ساحل نجات و پیروزی را ببیند .  
اما قرآن و دین و مکتب اسلام با مسائل چنین برخورد  
نمی کند .

### علل شکست مبارزات مادی گرایان

از اساسی ترین مسائلی که در بحث امروز مطرح می کنم این است  
که مخالفان ما و در رأس آنها رژیم سفاک منفور پهلوی باید علت شکست  
خود را در همین نقطه و در همین جا بررسی کنند . و این  
نقطه ، عدم درک انگیزه های انقلاب اسلامی و عدم درک  
محركهای نهضت های دینی است . آنهائیکه غرق در مادیگری

هستند ولو مادیگری مکتبی ، و همچنین آنهائیکه غرق در  
لذات و شهوات و دنیاپرستی هستند ، اگر بخواهند موقعیت  
نهضت مکتبی و مذهبی ما را تحلیل و توجیه کنند ، یقیناً "  
عاجز هستند و همین عجز آنها باعث می شود که در مقابل  
این نهضت سلاح لازم را بکار نبرند . مشکل اساسی آنها  
همین جاست .

### مادی گرایان روحیه یک انقلابی مسلمان را درک نمی کنند

یک دنیاپرست ، یک جاه و مقام پرست ، یک نفر انسان لذت  
جو و شهوت پرستی که به حکومت و ریاست و قدرت و نفوذ ،  
از دیدگاه تنگ و محدود و نادرست خود پرستی نگاه می کند ،  
چگونه می تواند انگیزه های یک نهضت عظیم مکتبی مذهبی  
را درست ارزیابی کند ، و برای خنثی کردن آنها اقدام  
مناسب نماید ؟ یا یک انسان مادی ، انسانیکه همه جهان و  
همه زندگی را یک پدیده مادی و فقط محدود به همین جهان  
و بر اساس ماده توجیه می کند ، از فکر و ذهن و روحیه و  
تحلیل و خواسته های یک انسان مبارز مکتبی مسلمان معتقد  
چه می فهمد ؟ چون نمی فهمد ، در نتیجه نمی داند با این  
انسان چگونه برخورد کند . و همچنین نمی داند با این انقلاب  
چگونه برخورد کند .

اگر به این نکته اساسی توجه کنید خوب می فهمید که  
چرا انقلاب ما آنروزها با آن سرعت پیروز شد ، چرا امروز

هر توطئه‌ای که دشمنان انقلاب ما می‌کنند به سرعت نقش بر آب می‌شود. چرا؟ علت اساسی این است. خوشبختانه و به لطف خدا آنها عمق انقلاب ما را نمی‌فهمند. روحیهٔ یک انقلابی مسلمان را نمی‌فهمند و خیال می‌کنند با آن گونه اقدامات که فقط صلاحیت شکست دادن خودشان را دارد، می‌توان جبهه انقلاب را شکست و انقلابیون را از میدان بیرون کرد!

آزروز که در این میدان بطور غافلگیرانه ملت مسلمان و جوانان شریف ما را به خاک و خون کشیدند، فکر می‌کردند که با این سرکوبی و خشونت و کشتار ملت ما آرام و خاموش می‌شود! چون ارزیابی غلط بود، چون نمی‌دانستند محرک یک انقلابی مسلمان چیست؟ اینچنین اقدام کردند و این اقدام شکست خورد.

آزروز ما در زندان از طریق رادیو گاهی اظهار نظرهای خارجی‌ها را می‌شنیدیم. آنها فکر می‌کردند بعد از سرکوبی میدان شهدا برای مدتی طولانی انقلاب اسلامی ایران خاموش می‌شود و چون اینطور فکر می‌کردند، به حساب و به خیال آنها برنامهٔ نهضت و انقلاب برای مدتی حتی طولانی‌تر از یکی دو سال عقب خواهد افتاد. ولی برای خود انقلابیون و در رأس آنها برای رهبر عظیم‌الشان انقلاب، آیت‌الله العظمی امام خمینی (صلوات) در همان روز آن سرکوبی

و کشتار و آن قساوت نه تنها بعنوان عامل سرکوب نبود بلکه به عنوان عامل سرعت دهندهٔ به انقلاب و یکی از پله‌های عظیمی که انقلاب بطرف پیروزی پیموده بود تلقی شد.

همان روزها امام در بیانه‌ای با صراحت فرمودند: این آخرین نفسی است که دستگاه پهلوی می‌گشود. و این آخرین ضربه‌ایست که بیش از آنکه به ملت ما ضربه بزند، به خود رژیم ضربه می‌زند و آن پیش بینی درست بود.

امروز هم مسئله چنین است. از روزی که انقلاب ما پیروز شد و دشمنان ما از سرکوبی نهضت ما محروم و مأیوس شدند، احمقانه و جاهلانه بفکر توطئه و تزویر برای تضعیف انقلاب افتادند!

توطئه‌ها در محافل مخصوصی رده بندی شده و برای هر یک از این توطئه‌ها زمان و برنامه مخصوصی در نظر گرفته‌اند. دشمنان مشترک ما، بقایای ساواک، عمال امپریالیسم شرق و غرب، کسانی که در این کشور منافع خود را با پیروزی انقلاب اسلامی در خطر می‌دیدند و همچنین وقتی شهواتر آنها و ولگردها و استثمارگران و غارتگرها دیدند جایی در این انقلاب ندارند و بطور کلی مجموعهٔ مخالفان ما با همهٔ اختلاف و تضادشان در یک نقطه مشترک و متحد شدند و آن سرکوبی انقلاب اسلامی است. توطئه‌ها شروع شد. اولین برنامه‌ای که برای خود ریختند، حمله به مراکز اقتصادی و منابع تغذیهٔ

مادی کشور بود. توطئه در کارخانه‌ها و کارگاهها، و مبارزه با ایجاد کارو ایجاد اقتصاد سالم، و به هم ریختن نظام کارخانه‌ها از طریق تحریک و تشویق کارگران به کم کاری یا بیکاری، اعتصاب یا نقصان از جمله توطئه‌هایی بود که کردند. و دیدید که تمام این برنامه‌ها با تبلیغات منظم ما و با هوشیاری جالب مردم ما و با عمق علاقه مردم به اقتصاد اسلامی و به انقلاب اسلامی شکست خورد. علیرغم آنچه که غربیها پیش‌بینی می‌کردند و می‌گفتند در سه چهار ماه اول انقلاب، ایران دچار تورم دو رقمی می‌شود و تورم و گرانی و کم‌جنسی و قحطی و بیکاری کشور را منفجر می‌کند.

این پیش‌بینی شکست خورد، چرا؟ علت این است که کارگر مسلمان ایرانی بیش از آنکه خودش را ببیند، کارش را ببیند و نامش را ببیند و مزدش را در نظر بگیرد، دینش را می‌بیند، دستور رهبر و مرجع تقلیدش را می‌بیند و عاقبت و آخرت و شهادت و قیامتش را در نظر می‌گیرد. این مسئله برای دشمنان ما قابل‌تصور نبود. می‌گفتند کارگری که ماهیست از کار، بیکار شده و در خانه‌اش نان و غذا ندارد، زن و بچه او وسایل زندگی ندارند، این انسان گرسنه و آزاد شده از قید و بند دیگر آرام نمی‌نشیند و فضای کشور را بهم می‌زند. این تحلیل‌ها تحلیل مادی است. آنها به اینطرف قضیه توجه نکردند و بهمین دلیل شکست خوردند.

دومین توطئه آنها این بود که از همان روزهای اول شعار انحلال ارتش را دادند. گروههای افراطی چپ در نوشته‌ها پشان با نهایت تأکید خواستار این بودند که ارتش ضد ملی و ضد خلقی باید منحل شود! شعار بصورت ظاهر مترقی بود و خیرخواهانه، اما پشت این نقاب انگیزه بسیار خبیث و یک نقشه شیطانی، وجود داشت آنها می‌خواستند ارتش و شهربانی و ژاندارمری ما منحل شود و همه نیروهای انتظامی ما منسخت و مضمحل شوند. و بعد اهداف کثیفشان را از طریق تخریب و کارهایی که شروع کرده بودند جامه عمل بپوشانند، اما کور خوانده بودند. خیال می‌کردند رهبر ما، ملت و ارتش ما به اندازه آنها نمی‌فهمند و اصولاً با مکتب اسلام آشنایی نداشتند، والا می‌دانستند چنین شعاری پذیرفته نیست. گرچه در آنزمان ما از اقدامات ارتش گله داشتیم و آنها یک مقصر بودند مجازات کردیم، اما مجموعه قوای انتظامی ما اینطور نبودند. ما به همه آنها به یک نظر نگاه نمی‌کردیم. ما با تعلیمات اسلامی خود و براساس مکتب خود معتقدیم که انسان‌ها بالفطره جانی و گناهکار آفریده نشده‌اند. اگر عده‌ای تحت فشار خاندان کثیف پهلوی و راهنمایی مستشاران امریکایی و اسرائیلی به فساد کشیده شده بودند، با راهنمایی امام و خواست ملت و با تعلیم قرآن دوباره به دامن اسلام و دین و ملت برگشتند و دیدید که چه زود برگشتند.

اگر ما آنروز تسلیم آن شعار عوام فریبانه شده بودیم و ارتش را منحل کرده بودیم، امروز در کردستان و دیروز در گنبد و فردا در جاهای دیگر، چه می‌کردیم؟ ارتش نشان داد مسلمان است و آماده پذیرش فرمان رهبری است. نشان داد که در موقع مناسب درد ملت را می‌فهمد و به وظیفه خود عمل می‌کند و عمل هم کرد. ارتش نشان داد که اگر دیروز آن قساوت‌ها را انجام می‌داده بدلیل قساوت رهبر آن روز بوده است. چون محمد رضا پهلوی گرگ و خونخوار بود، امرای ارتش دیروز خونخوار و سفاک بودند، چون خواسته آمریکا و اسرائیل سرکوبی ملت بود. ولی امروز وقتی شما اخبار کردستان را شنیدید، متوجه شدید که ارتش همه‌گونه ملاحظه‌ای کرد، تا خون از دماغ کسی جاری نشود. هنگام ورود به سفز خود دهها شهید داد برای اینکه مردم بی‌گناه کشته نشوند. برای رفتن به مهاباد چند روز صبر کرد تا زمینه مساعد شود و مردم بفهمند و بی‌جهت کشته نشوند. و مجموعاً "با داشتن امکانات نخریب، کمترین نخریب را در کردستان کرد. این هم یکی از اشتباهات دشمنان ما و کوردلی آنها که نمی‌فهمند.

یکی از نقشه‌های دیگرشان این بود. آنروز که ما بنیان سپاه پاسداران انقلاب را می‌ریختیم، متأسفانه از طریق گروه‌هایی که خود را انقلابی معرفی می‌کردند، سمپاشی شروع

شد. خواستند پاسداران را متهم کنند، خواستند بگویند اینها مرتجع هستند و، زور می‌گویند! خواستند بگویند اینها وسیله زور و وسیله خفقان می‌شوند! تبلیغاتشان شکست خورد و پاسداران اسلامی به جای ماندند. و امروز سراسر کشور شما زیر پوشش پاسداران انقلاب اسلامی است و برای شما امنیت و آرامش را تضمین می‌کند.

مطمئن باشید از هر جایی از کشور، نغمه شهنیت بلند شود، پاسدار مجاهد و مبارز و از خود گذشته ما به سرعت آنجا حضور پیدا می‌کند. همانطور که دیده‌اید. شهادت برای اینها آرزو و افتخار است. مردمی که تا دیروز آنطور به جان خود علاقه‌مند بودند (ارتشی و غیر ارتشی) امروز گریه و ناله می‌کنند که چرا ما را به میدان جنگ نمی‌فرستید؟ خدا گواه است اگر جای من بودید و به اندازه بنده با نقاضای شهادت مردم مواجه می‌شدید خیلی هیچانی‌تر از من حرف می‌زدید. جوانها اشک از چشمانشان جاری بود و گله می‌کردند که چرا نوبت ما را به تأخیر انداختند و ما را به کردستان نفرستادند. نامه‌های متعددی از خانمها به دست من رسیده است که به ما اعتراض کرده‌اند، فلانی شماها که مدعی هستید که در مکتب اسلام حقوق مرد و زن مساویست چرا نمی‌گذارید ما زنها به شهادت برسیم؟ چرا ما باید از مبارزه در صحنه‌های کردستان محروم باشیم؟ اینها چیزهایی است که دشمنان

مانمی فهمند. یک آدم مادی، ماتریالیسم، کمونیسم که انسان را مثل یک درخت و مثل یک هجر می داند، آینده‌ای برای انسان قائل نیست، آخرتی قائل نیست، خدائی قائل نیست، از دیدگاه مکتب او، شهادت چه معنائی می تواند داشته باشد؟ اینجا تعصب و مکتب با هم مخلوط می شوند.

### شهید در قاموس اسلام

نقطهء اساسی مطلب این است، کلمه شهید که در قاموس اسلام و در مکتب اسلام این همه تقدس کسب کرده است، در هیچ جایی از مکاتب دنیا وجود ندارد و نمی تواند وجود داشته باشد. آن دیدی که اسلام به شهید دارد هیچ مکتبی ندارد. قرآن می فرماید:

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة.

خدا جان مردم مؤمن و مسلمان را تحویل می گیرد و در بهشت الهی لقاء الله نصیبشان می شود.

زندگی همیشگی در جوار خدا و پیغمبر خدا و برای سعادت ابدی، حضور در محضر ربوبی با مکتب مادی این مقام چگونه می تواند مونتاز شود؟

شهید از دید آنها یعنی چه؟ آنها وقتی می گویند شهید، منظورشان چیست؟ شهید برای چی؟ شاهد چی؟

حضور در کجا؟ حداکثر کار اینها این است که اگر کسی در میانشان درخشید، مجسمه‌ای از او بسازند و در میدانی بگذارند، بیش از این دیگر نیست.

اگر فقط بعد مادی انسان مطرح باشد، با توجه به آن روحیه خود خواهیش، مسئله شهادت برایش هیچ مفهومی ندارد. اگر می بینید گاهی بر شهادت اهمیت می دهند برای این است که تحت تأثیر فرهنگ دینی و مذهبی و خانوادگی و ملی ما هستند که این واژه برایشان ارزش پیدا می کند و ارزشش بیشتر می شود.

لذا بهمین دلیل بود که بعضی از این بازجوهای سفاک، شکنجه گران کمیته به ما می گفتند، فلانی وقتی ما در زندان یک بچه مسلمان و مؤمن را بازجویی می کنیم، ما را بیچاره می کند. هزار شلاق می خورد، به استخوانش می رسد ولی حرفی نمی زند. می دانیم که می داند و حرف نمی زند. برای اینکه هر شلاقی که می خورد محاسبه دارد، می فهمد چرا می خورد و برای چه می خورد؟ می داند که گم نمی شود. حتی وقتی دشمنش را که دشمن خدا نیز هست، خشمگین می کند، اینهم برای او محاسبه است.

قرآن می فرماید:

ذلک بانهم لا یصیبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة فی سبیل الله ولا یطوئن موطئا یغیظ الکفار ولا ینالون من عدو

نهالا الاکتب لهم به عمل صالح (۱) - چرا مبارزان اسلامی از جهاد و مبارزه خسته بشوند؟ آنهائیکه برای هر صدمه‌ای که می‌بینند، برای هر تشنگی که می‌خورند، برای هر گرسنگی که می‌خورند، برای هر اقدامی که می‌کنند و دشمن را خشمگین می‌کنند، خداوند یک عمل صالح بزرگ در نامه عملشان ثبت می‌کند، یک چنین مردمی به چه دلیل در راه مبارزه خسته شوند و چرا از رسول‌الله تخلف کنند و چرا بدنبال رهبر خود راه نروند؟

دشمن ما این منطق را نمی‌فهمد، او فکر می‌کند که اگر در کردستان به کمک عراق یا اکراد عراق، عمال شوروی و آمریکا، عمال ساواک و با کمک‌های اسرائیل و گروه‌های چپ نمای مترقی نما و مردم فریب خورده منطقه آتش افروزی کند، این آتش حداقل سالها و ماهها طول خواهد کشید و کشور را به پرنگاه خواهد برد. این پیش‌بینی آنها بود. اما دیدید که یک هفته مقاومت، آنها چه مقاومتی، همراه با ملاطفت، مثل باد اینها را متفرق کردند.

اینها چه خلقیهایی بودند که بادیدن پاسداران و ارتش یکدفعه به پشت مرزها فرار کردند. آیا اینها خلقی بودند؟! فدائی کرد بودند؟! چگونه برادران کرد ما می‌توانند فریب

(۱) سوره توبه آیه (۱۲۵)

اینها را بخورند؟

به این ترتیب توطئه حساب شده‌ای که آنها به آن خیلی اهمیت می‌دادند و می‌خواستند در شرق و غرب و جنوب کشور بلوا براه بیندازند و هیاهو کنند و کشور را دچار جنگ داخلی کنند، و به خیال خود لبنان جدید از ایران بیافرینند، همانطور که ملاحظه فرمودید شکست خوردند. توطئه‌های جدیدی هم که مطرح بشود همینطور خواهد شد. من به تمام مخالفان انقلاب اسلامی اعلام می‌کنم، مطمئن باشید با این روحیه‌ای که مردم ما دارند، با برداشتی که افکار اسلامی ما از انقلاب و آینده کشور دارد، هر توطئه‌ای که بریزید و دنبال هر خیانتی که بروید، جز اینکه مرگ خود را نزدیک کنید چیز دیگری نخواهد بود. مطمئن باشید اگر یکی از اهداف شما این است که با هیاهو و تخریب انقلاب ما را به خشونت بکشانید و ما را وادار کنید دست به خشونت بزنیم، و بعد در دنیا تبلیغات راه بیندازید که انقلاب اسلامی خشونت می‌کند و چنگیز در ایران ظهور کرده است، اینهم مثل بقیه توطئه‌های شما شکست می‌خورد.

شما دیدید ما وقتی به کردستان رسیدیم، دیدیم ارتش و سپاه پاسداران با نهایت شجاعت مخربین و خرابکاران را در کردستان می‌کوبد، امام همراه فرمان بسیج عمومی، دستور عفونیز دادند. شما در کجای دنیا پیدا می‌کنید که در میدان

جنگ و همانجا که گلوله‌ها از طرف دشمن به طرف ارتش و سپاه ما می‌بارد اعلان عفو بشود؟ اگر از نظر روحی ارزیابی صحیح بکنید، این عمیقترین دلیل قدرت ماست. این نشان دهنده پشتمانه‌عظیم روحی ملت ماست.

یعنی با اینکه شما به روی ما اسلحه کشیدید، با اینکه سپاه پاسداران ما را محاصره کرده و ناجوانمردانه شهید کردید، با اینکه عده‌ای از افسران و سربازان و درجه‌داران شریف ما را شهید کردند، اما ما در پی انتقام جوئی از شما برنیامدیم، ما کینه توز نیستیم، ما آرامش کشور و سعادت مردم و سعادت خود شمارا می‌خواهیم.

توطئه دیگری که کرده بودند این بود که می‌خواستند بنام شیعه و سنی و بنام کرد و فارس بین ملت ما اختلاف بیندازند. در گنبد ترکمن‌ها، در خوزستان، عرب، در بلوچستان، بلوچ و زابلی و در کردستان، کرد، و در همه جا مسئله سنی و شیعه را مطرح کردند. می‌خواستند با این توطئه‌ها و فریبکاریها صف ملت ما را بهم بزنند. اما شما امروز شاهد هستید که خود مردم کرد و خود برادران مسلمان سنی ما شعار وحدت می‌دهند و به فریبکاری و خیانت اینها توجه نمی‌کنند.

توطئه‌ی جدیدی که کم و بیش از گوشه و کنار به چشم می‌رسد و گاهی به گوش چیزهایی می‌شنویم، این است که

دشمنان ما، مخربان داخل کشور، آنها که آینده‌ای برای خود و مکتبشان در نهضت انقلابی اسلامی شما نمی‌بینند، مقدمات حمله و تخریب در مؤسسات علمی، فرهنگی، مدارس، دانشگاهها را فراهم می‌کنند، اینبار قصد هجوم به مراکز تعلیمی و فلج کردن فرهنگ و دانشگاه و آموزش شما را دارند. ولی بدانند اگر در کردستان و گنبد پیروز شدند، اگر در کارخانه‌ها پیروز شدند و اگر در بقیه کارها پیروز شدند، اینجا هم پیروز خواهند شد. وقتی ملتی یکپارچه و با اکثریتی در حدود نود و نه درصد، چیزی را نمی‌خواهد چه می‌شود کرد؟

آخرین کار شما مخالفین ترور است. در جامعه‌ای که اکثریت ملتش با تروریسم مخالف است، تروریسم پیش نمی‌رود. چون بالاخره ترور کننده را سرکوب می‌کنند، ملت آنها را نمی‌پذیرد، شما خیال نکنید اگر در رژیم گذشته مردم با کسانی که علیه رژیم گذشته اعدام انقلابی می‌کردند، احترام می‌گذاشتند، حالا هم به شماها که علیه رهبران کشور جنایتهایی را مرتکب می‌شوید، می‌توانند به شما احترام بگذارند. شما اگر زیر سنگ هم بروید پیدایتان می‌کنند و تحویل محاکم صالحه می‌دهند.

از دیگر توطئه‌های پست و رذیلانه‌ای که دنبالش می‌روند و مرتب سرکوب می‌شوند، متوسل شدن به حربه پیروزنهای

فرتوت و عجوزه‌های زمین‌گیر است. این توطئه چیست؟ شایعه‌پراکنی. مثل پیرزن‌ها که امیدشان از همه جا قطع شده در خانه‌هایشان می‌نشینند و نسبت به شخصیتها و چهره‌های انقلاب چیزهایی می‌بافند و بین مردم پخش می‌کنند، به این دلیل که این شخصیت‌ها را بدنام کنند.

چقدر این عمل پست است! این کار، نهایت ضعف و پستی و رذالت انسانی است که می‌خواهد به عنوان مخالف سیاسی خود را در اجتماع نشان دهد.

شما بدانید و مطمئن باشید در این کشور، در کشور علی و امام صادق (ع)، در کشوری که رهبری آن بدست شخصی چون امام است، و در کشوری که مردمش از صمیم دل به اسلام و شیعه علاقمند هستند، مکتب‌های مادی و ضد خدائی، والحاد نمی‌تواند پیروز شود. شما اگر مقداری هم موفق شوید مردم را اذیت کنید و جنگ اعصاب راه بیندازید و ... در این کشور به نتیجه‌ای نمی‌رسید.

من دوستانه، خیرخواهانه و ملتمسانه از همه شما می‌خواهم که بیایید و سازگاری کنید، بیایید با معیارهای اسلامی که کشور را اداره می‌کند مخالفت نکنید. بگذارید انقلاب به سرعت راه خود را بپیماید و کشور را آرام کند و به سعادت برساند. و شما هم در سایه این انقلاب یک زندگی انسانی و آزاد داشته باشید.

همانطور که مکرر گفتیم و بارها هم در آینده تکرار خواهیم کرد، ما به شما آزادی می‌دهیم، به شما امکان می‌دهیم که افکارتان را اظهار کنید. امکان مینینگ دادن، انتخاب کردن و انتخاب شدن، روزنامه داشتن و کلوپ داشتن و شرکت در کارهای کشور را می‌دهیم، اما مشروط به اینکه خیانت و توطئه و بدخواهی نسبت به راه اکثریت مردم در کار نباشد.

حرفم را در چند کلمه خلاصه می‌کنم:

مطلب اساسی این است که دشمنان ما، چه رژیم گذشته و چه دشمنان امروز ما در داخل و خارج کشور، ماهیت انقلاب ما و محرک و انگیزه‌های انقلاب ما را نمی‌فهمند. چون نمی‌فهمند، نمی‌توانند بطور اساسی با ما مبارزه کنند. و به همین دلیل در طول انقلاب ما به سرعت شکست خوردند. و به همین دلیل در این خرابکاریهایی که اخیراً می‌کنند به سرعت سرکوب می‌شوند و انقلاب ما با آن انگیزه عظیمی که دارد، راه خود را ادامه می‌دهد.

**والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته**

سخنرانی حجة الاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای  
در هفده شهریور (بهشت زهرا)

بسم الله الرحمن الرحيم

یاد شهیدان

امروز، روز عاشورا است. امام سجاد شاهد و راوی حوادث خونین عاشورای حسین که خود، پیامبر انقلاب هم بود، بعد از ماجرای آن شهادت گدازنده خونین، سی و پنج سال گریه کرد. این گریه، گریه غم و تأسف نبود. این گریه، گریه آتش افروز انقلاب بود.

شما مردم ایران هم که شاهدان و راویان عینی عاشورای میدان شهدا و شاهد عینی عاشورای هفده شهریور هستید، جا دارد اگر اشک بریزید و گریه کنید. گریه ما نیز بر شهیدان مان به هیچوجه گریه تأسف نیست. خون‌های پاک این عزیزان یک ملت را نجات داد، یک قدرت عظیم جهانی را به عقب نشاند. ما باید سنت مرثیه خوانی بر این عزیزان را زنده کنیم. حقیقت این است که داغ دل مادران و پدران داغدار

که عزیزان و جگر گوشگان خود را سخاوتمندانه در راه خدا داده‌اند در دل یک - یک ما زنده است، ما با همین آتش است که تا آخرین نفس و تا آخرین نفر با خود کامگان و قدرتمندان جهانی خواهیم جنگید. ما همواره با یاد شهیدان این آتش را در دلمان زنده نگه خواهیم داشت.

من در اینجا حوادثی را که شما بعضی از نزدیک دیده‌اید و بعضی شنیده‌اید بطور گلچین و خلاصه به شما می‌گویم تا بدانیم در کجا جمع شده‌ایم و بر خاک چه کسانی نشسته‌ایم. ای مرد و زن مسلمان، ای عزاداران، ای ملت ایران شما میدانید در زیر این خاکهای تیره چه کسانی غنوده‌اند؟ در زیر این خاکهای تیره‌ایکه امروز میعاد عاشقان شهادت و نگهبانان آزادی در این کشور است، آن کسانی غنوده‌اند که خود، صاحبان این آزادی و تولید کنندگان این استقلال و عزت و شرف در ایران هستند. پادشان همیشه برای ما زنده است.

در زیر این خاک‌ها جوانی غنوده است که وقتی پیکر مجروح او را به بیمارستان بردند و خواستند با قطره آبی تشنگی او را برطرف کنند به پرستاران و اطرافیان خود گفت که آب نمی‌نوشد چون روزه است.

در زیر این گل‌های تیره آن زنی در بستر لطف خدا و رحمت الهی آرمیده است و وقتی کودک شیرخواره‌ای که در

آغوشش بود در وسط میدان یا در کنار میدان با گلوله دشمن مجروح شد و کودک چند ماهه در آغوشش دست و پا میزد، مادر بچه را از آغوش خود جدا کرد و روی زمین انداخت و خود با سینه مشتاق شهادت، بسوی دشمن رفت. اما چند لحظه بعد او هم در میان خاک و خون غلطید و به خدا پیوست.

در میان این عزیزانی که در قبرستانهای ما غنوده‌اند، عزیزان هفده شهریور آفرین، آن کودک پنج ساله‌ای که وقتی پدر خود را زیر پای مزدوران شاه دید که دست و پامیزند، بی محابا بطرف میدان رفت اما تیر دشمن به او هم مجال نداد.

اینجا قتلگاه عزیزان ما است، اینجا مشهد جگرگوشگان ما است، اینجا قبله‌ء امید انقلاب ایران است، ای مردم بدانید که در کجا نشسته‌اید.

امروز روز عاشورا است، اینجا مدفن شهداست، بر شهیدان خود اشک افتخار بریزیم، پیمان و پیوند خود را با آنان تجدید کنیم.

در روز عاشورای حسین، بعد از آنکه جوانان بنی‌هاشم همه با اجساد قلم - قلم شده روی زمین افتادند، بعد از آنکه زینب دختر حسین و آئینه‌ء حسین، همه این داغها و دردها را برای خدا تحمل کرد، در آخرین لحظات به گودال

قتلگاه آمد، پیکر مجروح و زخم خورده و پاره پاره شده حسینش را پیدا کرد، دست زیر بدن حسین برد، بدن حسین را به خدا عرضه کرد و گفت: خدایا این قربانی را از آل علی قبول کن.

ملت ما و امت ما به خدا عرض می‌کند: ای خدای بزرگ، ای خدای شهیدان ای خدای مستضعفان، ای خدای استکبار برانداز، ای خدای نجات دهنده‌ء مستضعفان، ای خدائی که معادله قدرتهای جهانی بی‌اراده تو هیچ است و پوچ. ای خدای شکست دهنده‌ء استکبار و کفر جهانی، ای خدای شهیدان، این قربانیان عزیز را از ما قبول کن و خدا قبول کرد. بدلیل آنکه با موج خون آنان کاخ دشمن فرو ریخت.

ای خدای کریم ناسپاسی‌های ما، کفران نعمت‌های ما، موجب آن نشود که خون شهیدانمان پایمال شود. چشم لطف و رحمت همواره بر این پیکرهای پاره پاره شده‌ء در راه خدا بماند. این ملت هنوز راه درازی در پیش دارد.

برادران و خواهران عزیز من مرثیه‌ء این شهیدان را بخوانید و بشنوید، که این کار کوره‌ء انقلاب ما را همواره افروزنده‌تر خواهد داشت. انقلاب ما در نیمه راه است. ما هنوز تا پیروزی نهائی زمان و راه زیادی در پیش داریم. ای مردم ایران، ای شهید پروران، ای کسانی که در

هفده شهریور رفتید تا شهید شوید، اما گلوله دشمن به سینه شما ننشست و امروز باز مشتاق شهادت هستید، بدانید، به خدا قسم دشمنی که آنروز در میدان شهدا شما و شهیدان شما را کوبید، همان دشمنی است که امروز می‌خواهد ایران را بکوبد.

آنروز امریکا، اسرائیل، مزدوران خارجی، پیشوایان کفر، فاجعه خونین کربلای هفده شهریور را بوجود آوردند. امروز همانها در آنسوی مرزها زنده‌اند، امروز هم ما هدف و آماج گلوله‌هایی هستیم که امریکای غارتگر جنایتکار و اسرائیل و مزدورانش بسوی ما نشانه رفتند. یادتان نرود که دشمن ما همان دشمن است. ای مشتاقان شهادت یادتان نرود که آن شهادت بزرگ، آن شهادت دشمن برانداز امروز هم پیش روی ماست. ملت ایران انتقام گرفت. امامان کفر را به جوخه‌های اعدام جوانان انقلابی سپرد.

امروز خسرو داد جلا د هفده شهریور، همراه با فرعون و نمرو د و شداد در جهنم خشم خدا قرار گرفته است. سربازان و افسران اسرائیلی که برای این جنایت بزرگ به ایران آمده بودند هر کدام (نام و نشان دارها) به نحوی به سزای اعمال خود رسیدند یا خواهند رسید. اما سلسله جناب فاجعه‌های پی‌درپی و خونین، یعنی پنجهء مظلوم کش انسان برانداز امریکا همچنان آماده است تا باز هم حلقوم این ملت

را بفشارد. دشمن همان دشمن است، شما هم امروز باید همان مردم باشید و هستید.

### آرمان شهیدان

بحق ملت ایران نشان داد که افسانه‌های چندین ده ساله‌ای که از راه‌های مختلف به گوشش می‌خواندند که مردم ایران بی‌حالند، بی‌حرکتند، تحرک ندارند، دروغترین دروغ‌هایی است که ممکن است برای ملتی گفته شود و بسنه شود. ملت ایران باکاری که کرد قهرمان ملت‌های جهان شد. اما ای برادران و خواهران ما که در اینجا نشسته‌ایم با توجه به این که فرشتگان خدا فضای این محوطه را پر کرده‌اند باید مقداری دقیقتر حرف بزنیم و بشنویم. اکنون این فضا به برکت شهیدان سرشار از معنویت و روحانیت و فضیلت است. امروز ما باید با مواظبت و دقت حرف بزنیم، ما وارث خون شهیدان هستیم. آیا به آرمان شهیدان عمل کرده‌ایم و یا می‌کنیم یا نه؟

آرمان شهیدان "استقلال-آزادی-جمهوری اسلامی" بود. ما استقلال و آزادی را در قالب نظام جمهوری اسلامی تا حد ممکن بدست آوردیم، اما همانطور که میدانید گرگ‌های درنده و دشمن‌های غدار از هر طرف در کمین نشسته‌اند. آنها چه می‌خواهند؟ می‌خواهند کارآئی ما را برای یک حمله

مجدد از ما بگیرند. آنها می‌خواهند کاری کنند که دیگر این ملت نتواند حوادث عظیمی مانند کربلای هفده شهریور بیافریند. ما را به خواست‌های کوچکمان سرگرم می‌کنند. ما را از نیروی معنوی لایزالمان غافل می‌کنند. دشمن سعی می‌کند فقر اقتصادی ما، بیکاری ما، کمبود مواد غذایی ما، نداشتن امکانات رفاهی ما را مرتب برخ ما بکشد. دشمن می‌خواهد قدرت خود را در برابر چشم ما بزرگ کند.

### پیام امام در وضع کنونی انقلاب

من می‌خواهم به شما بگویم، امام امت در اعلامیه‌ای که به مناسبت امروز داده‌اند، در وضع کنونی انقلاب ما در واقع روی حساسترین نقاط انگشت گذاشته‌اند. امام به ما یادآوری می‌کند که ای ملت آنروز که تو هیچ چیز در دست نداشتی و فقط با جان و خون خود توانستی کاخ سفید آمریکا را بلرزانی، نه فقط آمریکا را بلکه توانستی کاخهای سرخ کرم‌لین و پکن را هم به ارتعاش درآوری. (بعد از هفده شهریور سال پنجاه و هفت به فاصله چند هفته رهبران شوروی و چین سالگرد چهارم آبان را به محمد رضای ملعون تبریک گفتند و همبستگی خود را با این جلاد و جدایی خودشان را از ما اعلام کردند) این ملت توانست قدرتهای بزرگ دست اول جهان، یعنی آمریکا و شوروی و چین و دیگر

قدرتهای اروپائی را با دست خالی به عقب بنشانند. امروز دست شما پراست، میلیونها انسان مسلح یا آماده برای مسلح شدن دارید، امروز شما منطقه حساسی از جهان را در اختیار دارید، چهار راه خاور میانه در اختیار نیروهای اسلام و قرآن است، امروز آمریکا با شما چه می‌تواند بکند؟ دشمن امروز چگونه می‌تواند با شما دست و پنجه نرم کند؟ آنروز دشمن از شما شکست خورد. **والله امروز هم دشمن از شما شکست خواهد خورد. (تکبیر).**

امام دقیقاً "بر روی همین نکته نکیه کرده‌اند که این نکته بتدریج دارد از یاد بعضی از مردم و مسئولان ما می‌رود. — **انما انت مذکر** — ای امام بزرگوار توجه یادآور بزرگی هستی. امام بیهاد ما آورد و این شهیدان نخواهند گذاشت معنویت و نیروی معنوی جامعه انقلابی ما از یاد ما برود و شما مردم باید فراموش نکنید.

من امروز در این لاله‌زار خون شهیدان و گلستان آزادی ایران، حرف زیادی با شما ندارم. امروز شهیدان آنچه را که باید با ما بگویند گفته‌اند، اگر ما چشم و گوش داشته باشیم، این لاله‌های خونین پیام‌های بسیاری برای ما داشته‌اند من در اینجا دوسه نکته را به شما برادران و خواهران عزیز و به همه ملت ایران تذکر میدهم:

اولین نکته حفظ مکتب و اسلام و قرآن در انقلاب ما

است. امروز به فضل پروردگار، ما توانسته‌ایم قانون اساسی طبق محتوای اسلام و قرآن داشته باشیم، توانسته‌ایم با انتخابات درست و دقیق و آزاد، مجلس شورای اسلامی داشته باشیم و اخیراً "توانسته‌ایم نخست وزیر مسلمان انقلابی که خود یک شهید زنده است داشته باشیم. (تکبیر)

آن مقدار فشاریکه دشمن دست نشانده آمریکا در سال ۵۳ و ۵۴ بر روی برادرمان رجائی وارد آورد، کافی بود که یک انسان را به خیل شهدا ملحق کند. او باید امروز در شمار شهیدان ما بود، خدا او را برای ما نگه داشت. رجائی با شهیدان ما خویشتاوندی خونی و قلبی و فکری دارد. او یک شهیدزنده است. خدا را بر این گزینش درست مسئولان و برگزیدگان ملت سپاس می‌گوئیم. باید کابینه‌ای به همین ترتیب، اسلامی، انقلابی و مکتبی برگزیده شود، باید کسانی باشند که حاضرند برای این انقلاب جان بدهند. (تکبیر) دولت باید دولتی باشد که بتواند به مردم ثابت کند که وفادار به آرمان شهیدان است، مسلمان و پیرو قرآن است.

ما امروز به این احتیاج داریم. به خدا اگر روح اسلام و نفس قرآن در میان مردم ما و جامعه ما زنده بماند، نه محاصره اقتصادی، نه حمله نظامی، نه توطئه کودتا، نه ناسامانی مادی و فقر نخواهد توانست کمر این انقلاب را بشکند. (تکبیر)

### اتحاد و اتفاق

دومین چیزی که ما به آن احتیاج داریم وحدت است. نیروهای مسلمان پیرو خط امام و وفادار به راه و آرمان شهیدان، باید با هم اتحاد و اتفاق کنند، مثل همان روزهایی که سیل خروشان ملت در خیابانها راه می‌افتاد، روزهای قبل و بعداز هفده شهریور. سعی کنید خواهران و برادران بیاد بیاورید، همان روزهایی را که این رودخروشان در خیابانها حرکت می‌کرد، شما میدید که عده‌ای زیر نامهای گوناگون از اینطرف و آنطرف می‌خواستند جریانهای انحرافی بوجود آورند و انشعاب کنند. امروز هم همانها وسیله انشعاب و تشتت در جامعه ما هستند.

البته ما وقتی می‌گوئیم وحدت، منظورمان وحدت با آن گروههای تفرقه افکن و تفرقه گرانیست، وحدت نیروهای مسلمان است. (تکبیر)

من امروز از این حال و هیجان شما برادران و خواهران که نشان دهنده یکی از مهمترین و اصولی‌ترین ارکان انقلاب ما است استفاده کرده و دعا می‌کنم.

پروردگارا این شهیدان با یاد و نام امام سینه‌ها را هدف رگبار گلوله‌ها کردند، پروردگارا بخون پاک این شهیدان به نفس سوزان مادران و پدران و همسران و کودکان داغدار، ترا سوگند می‌دهیم که سایه پر برکت امام امت را بر سر این

ملت مستدام بدار.

پروردگارا این جسم و روح و مغز سالم پر برکت را،  
این عزم و همت و اراده آهنین را، همواره برای پیشرفت  
این انقلاب برای ما حفظ کن .

مکتب، وحدت، امامت

سومین مطلبی که باید بیادمان باشد، این است که  
مکتب و وحدت و امامت، همه بر محور پرچم پرافتخاری است  
که بر دوش امام ما است. امروز امام برای ما ملاک و معیار  
است، همه چیز را باید با او سنجید، حق و باطل هر دو  
را.

نکته دیگری که باید به شما برادران و خواهران بگویم  
حفظ آمادگیهای فداکارانه است. وقتی ما می‌گوئیم ملت باید  
آماده دفاع از انقلاب باشد، مقصودمان این نیست که این  
آمادگی باید با محاسبات و معادلات مادی تطبیق کند، منظور  
این است که باید این ملت از لحاظ ایمان، ایثار و تسلیم  
بر فداکاری یکپارچه باشد.

در این پیام امام به نیروهای مسلح، به ارتش فداکار  
و سپاه پاسداران عزیز اشاره کرده‌اند. امروز ارتشیان و سپاهیان  
پاسدار باید بدانند که این ملت پشت سر آنهاست و از  
آنها انتظار دارد، همچنانکه به آنها اطمینان دارد. (تکبیر)  
ای برادران پاسدار و برادران نظامی بهای اطمینان و

امیدی که مردم به شما دارند، فداکاری، پرکاری، نظم و  
دقت شماست. (تکبیر)

آخرین جملات گفتار کوتاهم را به یک درخواست از  
مستولان سطح بالای کشور اختصاص می‌دهم.

به رئیس جمهور، به نخست‌وزیر و به همه دست‌اندر  
کاران می‌گویم که این ملت آماده است برای فداکاری و حرکت.  
شما امروز موظفید وسائل کار این ملت را فراهم کنید، وسائل  
کار این ملت عبارت است از یک کابینه منسجم مؤمن انقلابی،  
بیش از این تشکیل کابینه را معطل نکنید. (تکبیر)

من می‌خواهم به این وسیله و از این تریبون از برادر  
عزیزمان رئیس جمهور تقاضا کنم که عناصر مؤمن و فداکاری  
را که نخست‌وزیر مؤمن و فداکار احساس می‌کند می‌تواند با  
آنها کار کند و انتخاب می‌کند هرچه زودتر مورد تصویب  
قرار بدهند. تا مجلس رأی اعتماد بدهد و دولت عملاً و  
رسماً مشغول کار شود. (تکبیر)

همچنین می‌خواهم از برادرمان نخست‌وزیر درخواست  
کنم که بر روی معیارهای اصولی مکتب پافشاری کند و سعی  
کند زمام کار این ملت شهید داده را فقط بدست کسانی  
بسپارد که با این شهیدان پیوند معنوی و فکری و روحی  
دارند (تکبیر)

جمله آخر من خطاب به معلولین عزیز هفده شهریور

و همه معلولین انقلاب و خطاب به خانواده‌های شهیدان و خانواده‌های شهید پرور است.

ای عزیزان، ملت ما قدر شما را میداند و با همه وجود از شما سپاسگزار است.

پروردگارا به حرمت خون شهیدان، پاس حرمت شهیدان را همواره در دل ما زنده بدار.

پروردگارا ملت ما را به یکپارچگی و وحدت لازم برسان.

پروردگارا دستهای تفرقه افکن و خود خواه و خودکامه

را قطع کن.

پروردگارا آن کسانی که منتظر ضعف و فتور این ملتند

امیدشان را نا امید کن.

پروردگارا هوشیاری و هوشمندی ما را روز افزون بگردان.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته